

هرک توماس مان



هنوز چند ماهی از جشن
هشتادمین سال توماس مان
نمیگذرد که نویسنده بزرگ
آلمانی رخت از جهان
بر بست، در جشن هشتادمین
سال توماس مان کلیه معافل
ادبی و هنری دنیا شرکت
نمودند در فرانسه بهمین
مناسبت کتابی چاپ شد
باسم « درود فرانسه به
توماس مان » این کتاب
در صد و شصت و پنج صفحه
است و در آن مردان بزرگ
ادبی و سیاسی فرانسه از
مقام بزرگ توماس مان
تجلیل نموده اند.

و سان اوربول رئیس
جمهور سابق فرانسه ؛

و نویسنده معروف ، روبر شرمان سیاستمدار فرانسوی ؛ داربوس میلو آهنکساز
مشهور فرانسه و پیر منندس فرانس رئیس الوزرای سابق فرانسه ، فرانسوا موریاک برنده
جایزه نوبل و عضو فرهنگستان فرانسه و از بزرگترین نویسندگان «-راوف جهان
آندره مالرو و آلبر کامو نویسندگان معروف و سرشناس فرانسه هر کدام بنوبه
خود در این کتاب مراتب احترام و حق شناسی خود را نسبت به توماس مان ابراز داشته اند
فرانسوا موریاک در مقام تعظیم و تجلیل توماس مان می نویسد « توماس مان مردی
بود که در گذرگاه سیاه و تاریک رژیم هیتلر ، نبوغ سالم و دست نخورده آلمان
را حراست و حفاظت نمود. »

لوبک شهری است که توماس مان در آنجا بدنیا آمده است، این شهر بافتنهار هشتادمین سال توماس مان، شهادتنامه همشهری افتخاری بوی اعطا کرد در این شهادتنامه نوشته شده است که «توماس مان قهرمان آزادی و انسان دوستی است» توماس مان اولین داستان خود را در سال ۱۸۹۴ نوشت و از آن تاریخ یعنی در طی مدتی متجاوز از شصت سال او با حوصله و آهستگی در کار ساختن و پرداختن آثارش برآمد که امروز از شاهکارهای ادبیات آلمان بشمار رفته و نویسنده آن را در ردیف بزرگترین نویسندگان جهان قرار میدهد.

اولین رمان او یعنی «بودنبروکها» هم بنوبه خود آخرین رمان بزرگی است که با رسم و اسلوب قرن نوزدهم نوشته شده است، بیست و پنج سال بعد توماس مان داستان «کوهستان سحرآمیز» را نوشت و با انتشار آن دوره جدیدی در تاریخ داستان نویسی شروع گردید.

نویسنده در این کتاب با جرات زیادی افکار خود را بیان کرده و آنرا بدون پرده پوشی مسائل حقیقی طرح مینماید و از این حیث کتاب کوهستان سحرآمیز ارزش فنا ناپذیری دارد.

توماس مان از نویسندگان معدودی است که جلای وطن و دوری از یار و دیار بهیچوجه در قریحه و کار او خللی وارد نساخت، توماس مان در مدتی که از وطن دور بود اثر بزرگ «یوسف و برادرانش» را بوجود آورد و داستانهای زیادی نوشت که از نظر سبک و اسلوب نگارش و تکنیک داستان نویسی پس از چخوف نویسنده روسی تکامل و تحولی در نویسندگی بوجود آورد.

توماس مان در ششم ژوئن ۱۸۷۵ در شهر لوبک بدنیا آمد خانواده او از بورژواهای بزرگ بودند مادرش در اصل از امریکای جنوبی بود. نژاد پدرانش مخلوطی از شمال آلمان و سوئیس بود از این نژاد مخلوط دو نسل هنرمند بوجود آمد توماس مان و برادر بزرگش هنریش، در سبک نویسندگان در آمدند و فرزندان برادرش هر يك در رشته های مختلف هنر از موسیقی و تئاتر و داستان نویسی مشغول شدند.

در بیست و شش سالگی توماس مان کتاب بودنبروکها را نوشت این کتاب بصورت اتوبیوگرافی است و در آن نویسنده فساد و تباهی را که بآهستگی در خانواده بورژوازخانه میکنند شرح میدهد؛ این کتاب در دو میلیون نسخه بفروش رسید توماس مان با این اثر خود را از قید و بند خصوصیات طبقه خود و عادات و عرفیات آن آزاد مینماید و در واقع هنرمندی را با تمام خطرات آن انتخاب مینماید.

بقول خودش «توازن و تعادل در نظر خدایان ارزشی ندارد»
جنگ بین المللی ۱۹۱۴ توماس مان را در بحران ایدئولوژیکی انداخت و ویرا بسوی ایدئولوژی ناسیونالیست ها برد و در اثر آن نویسنده بزرگ آلمان روحا دچار تغییراتی گردید؛ و بدین جهت به جمهوری و بیمار پیوست و در ۱۹۲۸ نطق معروف خود را در برلین که در آن روزها دو چار تشنجات سیاسی بود نمود؛ در این نطق توماس مان از دموکراسی دفاع نموده و ملت آلمان را از کلیه عوام فریبها و

دغل کاری های ناسیونالیستی و دیکتاتوری بر حذر داشت . یکسال پس از آن توماس-مان جایزه بزرگ ادبی نوبل را دریافت نمود از ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۹ توماس مان اولین هنرمند آلمانی بود که بدربافت جایزه نوبل نائل آمد ؛ اما جایزه نوبل هم نتوانست آثار توماس مان را از چنگ هیتلر نجات دهد .

دستگاه نازی کتب توماس مان را جزو کتب ممنوعه شناخت . توماس مان جلای وطن را اختیار کرد و در آغاز جنگ دوم در کالیفرنیا اقامت گزید ولی از ۱۹۵۲ باین طرف در سویس منزل گرفت و در آنجا هم وفات یافت .

کوتاه بصورت سایه یک وهم و خاطره در روح ملت آلمان مخصوصاً هنرمندان بزرگ آلمانی وجود دارد و هیچگاه این سایه در تاریکی حوادث نابود نمیشود ، نویسندگان بزرگ آلمانی باشوق مجذوب کوتاه اند توماس مان هم بنوبه خود از این جذبه رهائی نجست بلکه درصدد برآمد اسلوب کوتاه را زنده کرده با مایه زمان غنی تر سازد .

در ۱۹۳۸ کتاب « شارلوت درویمار » را نوشت و در این کتاب میراث جاویدان و رتر را در ایات آلمان احیاء نمود ، پس از جنگ کتاب « دکتر فوست » را منتشر نمود ، در این کتاب توماس مان بامهارت مخصوص خود بجنگ کوتاه میرود فوست کوتاه رمز و نشانه ای از انسانیت است اما دکتر فوست توماس مان پیام يك آلمانی مطرود از وطن است . این پیامی است که نویسنده به هموطنان سابق خود میدهد و خطاها و مسئولیت های آنها را بر خ آنها میکشد .

قهرمان توماس مان در کتاب دکتر فوست خود را بدست شیطان میسپارد ، نویسنده مارا بصحنه ای میکشاند که در آن ملت آلمان خود را بشیطانی سپرده است که بصورت آدم نقش خود را بازی میکند ، این شیطان آدم نما کسی جز هیتلر نیست قهرمان کتاب دکتر فوست ، سجاپا و عیوب روحیه ملت آلمان را تجسم میکند ، قهرمان داستان ، آهنک سازی است که سر نوشتی نظیر سر نوشت نیچه پیدا میکند ؛ توماس مان احترام زیادی برای نیچه مؤلف کتاب « چنین گفت زردشت » قائل است نیچه و شوپنهاور تاثیر زیادی در تحول فکر توماس مان داشتند

توماس مان از بزرگترین نویسندگان قرن بیستم است نویسنده ای بشردوست و آزادبخواه بود و از هنرمندان معدودی است که محصول فکر و هنر او میراث گرانبهائی برای گنجینه هنر و ادب جهان خواهد بود.